

مفهوم‌شناسی واژه رجم در قرآن کریم براساس دیدگاه محمد شحرور

محمد نبی احمدی*

الهه تمیمی**، مهدی پور اذر***

چکیده

واژه رجم در زبان عربی به معنای سنگسار کردن است. این واژه و مشتقات آن در قرآن کریم چهارده مرتبه به کار رفته است. مفسران و قرآن‌پژوهان در معنا و مفهوم این لفظ بیشتر جانب معنای حقیقی آن را در نظر گرفته‌اند و با توجه به همان معنای نخستین، سنگسار کردن زناکاران را در اسلام منجز دانسته‌اند. در حالیکه با دقت و تفحص در آیاتی که واژه رجم و مشتقات آن در آنها به کار رفته است، روشن می‌گردد که اراده معنایی حقیقی از این واژه در آیات نامبرده شده، صحیح و دقیق نمی‌باشد. بلکه در تمامی این چهارده مورد، واژه یاد شده در معنای مجازی بکار رفته است و دارای معنای ای چون تبعید کردن، طرد کردن و راندن با زور است. جستار پیش‌رو می‌کوشد با بررسی و نقد دیدگاه مفسران در این زمینه و با تکیه بر دیدگاه محمد شحرور مفسر معاصر سوری، با روشی توصیفی-تحلیلی، درستی دلالت معنای مجازی این واژه را ثابت نماید. و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که جز در سوره ی کهف که در آن رجم به معنای خروج کلام است، در بقیه موارد به معنای راندن و اخراج با زور از دیار خویشتن می‌باشد.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، mn.ahmadi217@yahoo.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران، elahe70tamimi@gmail.com

*** دکترای زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)،
mm.poorazar@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۱

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

همچنین حکم سنگسار کردن که بعنوان مجازات زناکاران به کاربرده شده است، به صورت مستقیم در قرآن وارد نشده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، رجم، سنگسار، راندن، محمد شحرور.

۱. مقدمه

واژه‌ی رجم در منظومه فکری اسلام بیش از هر امری یادآور حکم فقهی سنگسار کردن است که در شریعت اسلام حد شرعی زنای محصنه معین شده است. پژوهشگران و مفسران قرآنی از دیرباز این موضوع را به شکل‌های گوناگون مورد کنکاش و واکاوی قرار داده‌اند و گروهی این مسئله‌ی سنگسار نمودن را رد و گروهی دیگر آن را قبول کرده‌اند. همچنین درباره وجود یا عدم وجود این حکم در قرآن، اقوال زیادی وجود دارد. ولی با وجود این، جایگاه قرآنی موضوع یاد شده هنوز در هاله‌ای از ابهام به سر می‌برد و پاسخ دقیق و مشترکی در این پژوهش‌ها برای آن به چشم نمی‌خورد. اکثر مترجمین، رجم را به معنای سنگسار کردن ترجمه نموده‌اند و معتقدند که این واژه، تنها در دو یا سه مورد از آیات قرآن، معنای مجازی دارد. مفسران، زبان‌شناسان و لغت‌شناسان برای فهم معنای کلمه - ی رجم، فقط به جنبه ظاهری آن نظاره نموده‌اند و همانند تفسیری که یهودی‌ها از این واژه در کتب خودشان استفاده نموده‌اند، همان تفسیر و معنایی که حکم به قتل برای زناکاران و کسانی که مخالف دستورات حکومت بودند را می‌دهد. این نگاه سطحی و ظاهری به واژه رجم و در نظر گرفتن معنای حقیقی برای آن موجب گردید که راه برای تفسیر صحیح آن توسط مفسران بسته شود و در نتیجه موجب شد که نتوانند معنای طرد و اخراج و راندن را از آن درک کنند و نگاهشان را محصور به سنگسار نمودن کرد. همچنین باعث شد که دچار اشتباهات فراوانی شوند که هرگز بخشیده نشود. (شحرور، ۲۰۱۲م: ۸۹) اکنون پرسش مهم و کلیدی که در اینجا مطرح است این است که مقصود از "رجم" در قرآن بر اساس نظریات لغت‌شناسان و مفسران چیست؟ دلالت واژه رجم بر سنگسار کردن در کدامیک از آیات قرآن وجود دارد؟ مفهوم واژه‌ی رجم در قرآن بر اساس دیدگاه محمد شحرور چیست؟ پاسخ این پرسش‌ها در پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، یافت نشده است و محور این پژوهش‌ها بر حکم فقهی آن می‌چرخد و از بحث و تحلیل زبان‌شناسی چندان خبری نیست. به همین منظور در نوشتار پیش رو، نگارندگان کوشیده‌اند تا از دریچه‌ای دیگر به این موضوع نگاه کنند. روزنه‌ای که برای رسیدن به معنای مقصود، بسیار راهگشا و مطمئن -

تر است. به این دلیل است که در این روش، موضوع مدّ نظر با تفسیر قرآن با قرآن مورد بررسی قرار گرفته است تا بتوان به نتایج دقیق‌تری دست یافت. در پژوهش حاضر نخست به واژه‌شناسی "رجم" پرداخته شده سپس دیدگاه مفسران در ارتباط با آن بیان شده است و در نهایت به توضیح و تحلیل موضوع اصلی که همان تفسیر آیات مربوط به رجم بر اساس دیدگاه محمد شحرور است، پرداخته شده است.

۱.۱ بیان مسأله

از میان مفسران معاصر، "محمد شحرور"، مفسر سوری، دیدگاه متفاوتی در ارتباط با بسیاری از مباحث قرآنی دارد. وی از قرآن پژوهان نواندیش سوری است که در سال ۱۹۳۸ دیده به جهان گشود. او دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در دمشق گذراند و در سال ۱۹۵۹ با بورسیه تحصیلی به روسیه رفت و در رشته مهندسی شهرسازی مشغول به تحصیل شد. شحرور در سال ۱۹۶۴ توانست تحصیلات خود را به پایان برساند. پس از آن به سوریه بازگشت و در دانشگاه دمشق به عنوان استاد مدعو در رشته شهرسازی تدریس کرد. سپس برای ادامه تحصیل در این رشته به ایرلند رفت و توانست در سال ۱۹۶۹ مدرک کارشناسی ارشد و در سال ۱۹۷۲ مدرک دکترای خود را دریافت نماید. کتاب‌های متعددی از محمد شحرور چاپ شده است. از جمله: کتاب والقرآن قراءة معاصرة، الدولة والمجتمع، الإسلام والإيمان، نحو أصول جديدة للفقهاء الإسلامی، فقه المرأة "الوصیة - الإرث - القوامة - التعددية - اللباس"، تجفيف منابع الإرهاب، القصص القرآنی - المجلد الأول: مدخل إلى القصص وقصة آدم، الكتاب والقرآن - رؤیة جديدة، القصص القرآنی - المجلد الثاني: من نوح إلى يوسف، السنة الرسولية والسنة النبوية - رؤیة جديدة، الدين والسلطة - قراءة معاصرة للحاكمية، الإسلام والإيمان - فقه المرأة - نحو أصول جديدة للفقهاء الإسلامی، أم الكتاب وتفصيلها: قراءة معاصرة فی الحاكمية الإنسانية. (شحرور، ۲۰۱۲: ۶) اما در ارتباط با مبحث رجم و سنگسار کردن، شحرور معتقد است که "رجم" در هیچ-یک از آیه‌های قرآنی به معنای حقیقی بکار برده نشده است و در همه‌ی موارد قرآن به جز یک سوره، به معنای مجازی بکار گرفته شده است.

هر چند واژه رجم که در لغت به معنای سنگسار نمودن است و مفسران قرآنی این معنا را اصل قرار داده در فقه اسلامی به عنوان مجازات مجرمان خاص در نظر گرفته شده است، ولی این معنا مستند قرآنی ندارد و برخلاف تصور غالب حتی در یک مورد هم

معنای سنگسار از واژه‌ی رجم قابل استنباط نیست. بنابراین، معنای سنگسار بیش از آنکه مستند قرآنی داشته باشد، مبتنی بر روایت و سنت است. مؤید این سخن دیدگاه آن دسته از مفسران است که می‌گویند: حکم سنگسار در قرآن قابل استنباط است هر چند صراحتاً و به طور مستقیم بدان دلالت نکند. به عنوان مثال عمر بن خطاب و برخی از مفسران بر این باورند حکم سنگسار در قرآن بوده ولی از آن حذف شده است. (شحرور، ۲۰۱۲: ۸۹) شحرور از مفسران انتقاد می‌کند که چرا فقط به جنبه ظاهری لفظ برای تفسیر توجه می‌نمایند؟ و مثالی را از قرآن ذکر می‌کند که در تفسیر آن نیز مفسران دچار خطا گردیده‌اند و آن، آیه‌ی ۸ از سوره‌ی نور برای بیان ملاحظه می‌باشد. (وَيَذُرُوا عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ)^۱ مفسران مقصود از عذاب در این آیه را رجم می‌دانند که همان سنگسار کردن است. در صورتی که اگر به آیه دوم از همین سوره بنگرند، (الرَّأْيِثَةُ وَالرَّزْبَانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيَشْهَدُ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ)^۲ متوجه خواهند شد که منظور از عذاب همان جلد است که به صورت آشکار وارد گشته است و منظور آن عذابی که خودشان تفسیر کرده‌اند نمی‌باشد. زیرا عذاب با سنگسار کردن متفاوت است. همچنین همانگونه که در آیه ۲۵ سوره نساء، :

وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فِتْيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أَحْضِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ^۳

آمده، عذاب را می‌توان به دو قسمت تقسیم نمود. حال آنکه رجم و یا سنگسار نمودن تا مرگ را نمی‌توان نصف کرد و این مسئله ای است که امام شافعی نیز در رساله‌ی خود به آن اشاره نموده است. با این وجود باز هم مفسران اصرار دارند که عذاب را سنگسار کردن بدانند. (همان)

این جستار با تکیه بر دیدگاه محمد شحرور، به اثبات معنای اصلی واژه "رجم" می‌پردازد. شحرور، معتقد است که زبان‌شناسان و مؤلفان فرهنگ‌های لغت در معنای رجم، بیشتر تحت تأثیر اسرائیلیات^۴ و احکام آیین یهودیت قرار گرفته‌اند و چنین تصور نموده‌اند که رجم بر سنگسار کردن و کشتن افراد مجرم با این روش، دلالت می‌کند. همین موضوع، انگیزه و علتی برای نویسندگان گردید که در پی اثبات حقیقت معنای واژه رجم برآیند و

جهت بررسی مفهوم دقیق این واژه، تعاریف فرهنگ لغت‌های مختلف از رجم را بیان نموده و سپس با ارتباط دادن این معانی به هم و کمک گرفتن از آیات قرآنی مرتبط، واژه رجم معنا گردد.

۲.۱ پیشینه پژوهش

در ارتباط با حکم سنگسارکردن و رجم مقالاتی وجود دارد که اکثر آنها در زمینه ی فقه و حقوق اسلامی و قبول و رد مسئله سنگسارنمودن و یا جایگزین کردن مجازاتی دیگر بجای آن در ایران و فرهنگ اسلامی، تحقیق نموده‌اند. از جمله این مقالات می‌توان به مقاله‌ی آقای محمد عشایری منفرد با موضوع "بازپژوهی مجازات رجم در قرآن" اشاره نمود که در مجله‌ی قرآن، فقه و حقوق اسلامی در سال ۱۳۹۳ منتشر شده است. محقق در این پژوهش قصد دارد اسلامی بودن مجازات سنگسار کردن را به اثبات برساند و آن را بعنوان حکمی اولیه و بدون توجه به مصالح اجتماعی سیاسی عصر حاضر و احکام ثانویه، دارای پایگاه قرآنی بداند. اما خود نویسنده در ابتدای بحث به این موضوع اشاره نموده است که در قرآن واژه "رجم" به معنای سنگسارکردن به مثابه مجازاتی برای زنانی محصنه بکار نرفته است. همچنین مقاله ای با عنوان "بررسی حکم رجم (سنگسار) و اجرای آن در زمان غیبت کبری" توسط آقایان احمد بهشتی و وحید واحد جوان در شماره ۲۶ مجله پژوهش های فقه و حقوق اسلامی به رشته ی تحریر درآمده است که در آن نویسندگان برآنند که حکم سنگسار نمودن را با تکیه بر روایات قرآنی به اثبات برسانند اما اعتراف به این حقیقت دارند که حکم رجم، مستقیماً از قرآن کریم برداشت نمی‌شود. در صورتی که پژوهش پیش رو قصد دارد که به صورت کلی فهم سنگسار کردن از واژه رجم را در قرآن از میان ببرد؛ زیرا رجم را دارای معنای مجازی می‌داند. هدف این است که با نگاهی زبان‌شناسانه و با تکیه بر معنای لغوی و فهم قرآن با قرآن به معنای اصلی کلمه‌ی "رجم" دست یافت.

۳.۱ سؤالات پژوهش

این نوشتار درصدد پاسخگویی به سؤالات زیر است:

۱. مقصود از "رجم" در قرآن بر اساس نظریات لغت‌شناسان و مفسران چیست؟
۲. دلالت واژه رجم بر سنگسار کردن در کدامیک از آیات قرآن وجود دارد؟

۳. مفهوم واژه‌ی رجم در قرآن بر اساس دیدگاه محمد شحرور چیست؟

۲. مباحث نظری

۱.۲ بررسی واژه "رجم" در آیات قرآن کریم

رجم در لغت: واژه "رجم" در لغت به معنای سنگ و "الرجام" به معنای سنگسار نمودن بکار رفته اند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۴۵/ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۴۹۳/ الفراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶: ۱۲۰/ المصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۴: ۷۸) رجم به معنای قتل و دوری و طرد و گمان و دشنام می‌باشد. (ابن منظور، ج ۱۲، ۱۴۱۴ق: ۲۲۷) همچنین واژه رجم یعنی سنگ انداختن. و «بطور استعاره درباره گمان بد بردن به کسی یا توهم و پندار و یا ناسزاگویی و طرد بکار رفته است.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۵۳) این واژه به طور استعاره در معنای "شتم" نیز بکار برده می‌شود. مانند آیه ۴۶ سوره مریم: (قَالَ أَرَأَيْبُ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ لِأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا) که مقصود این است که آزر، پدر حضرت ابراهیم به او می‌گوید: اگر ادامه دهی، تو را دشنام خواهم داد. یعنی با کلام او را می‌زند که منظور همان دشنام دادن است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۴۹۴) هماهنگونه که اشاره گردید اکثر مفسران، این واژه را به معنای سنگسار کردن می‌دانند. اما این کلمه در آیات به این معنا بکار برده نشده است. مفسر سوری، "محمد شحرور" در این رابطه می‌گوید: واژه "رجم" در هیچ یک از ۱۴ مرتبه ای که در قرآن بکار رفته است، به معنای "سنگسار کردن" نمی‌باشد و جالب اینجاست که این واژه در همه ی موارد به جز یک آیه، به معنای "راندن به زور و اخراج اجباری" است. (شحرور، ۲۰۱۲: ۸۷) محمد شحرور می‌گوید: این خیلی عجیب است که امام فخر رازی مانند مفسران قبل و بعد از خود واژه ی "رجم" را در تمام نمونه های آیات قرآن به معنای سنگسار کردن ترجمه کرده است و مجاهد نیز این واژه را به معنای شتم ترجمه نموده است. در صورتی که در هیچ جایی از قرآن واژه رجم در معنای سنگسار کردن و یا حتی "شتم کردن" یا همان "ناسزا گفتن" وارد نشده است. (شحرور، ۲۰۱۲: ۸۷)

۳. بحث و بررسی

به منظور بررسی دقیق واژه رجم، تمامی نمونه های آن را ذکر نموده‌ایم تا با بیان تفاسیر مهم به نتیجه ای پیرامون معنای اصلی آن در قرآن دست یابیم. در ابتدا از واژه "رجیم" که از مشتقات رجم می‌باشد و در ۵ سوره از سوره های قرآن بکار رفته است شروع می‌نماییم و در ذیل نمونه های آن را ذکر خواهیم کرد:

سوره آل عمران. آیه ۳۶: (فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ اِنِّي وَضَعْتُهَا اُنْثَىٰ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْاُنْثَىٰ وَاِنِّي اُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ)^۶
سوره حجر. آیه ۱۷: (وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ)^۷
سوره نحل. آیه ۹۸: (فَاِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ)^۸
سوره ص. آیه ۷۷ و سوره حجر. آیه ۳۴: (وَقَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَاِنَّكَ رَجِيمٌ)^۹
سوره تکویر. آیه ۲۵: (وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ)^{۱۰}

واژه رجیم در لغت: به معنای رانده شده از خوبی ها و درجات بالا ذکر شده است. (راغب اصفهانی، ۳۴۶) رجیم همان رانده شده است. (جوهری، ۱۳۷۶ هـ ق، ج ۵: ۴۹۳۸) واژه "رجیم"، صفت مشابهه است که به معنای اسم مفعول مرجوم بکار رفته است و چنانچه بگوییم که رجیم بمعنای طرید است پس رجیم بجای مرجوم یعنی مطرود استعمال شده است. غیر ممکن است که بگوییم خداوند متعال ابلیس را از بهشت راند و او را شتم کرد و یا اینکه پذیرای این باشیم که خداوند ابلیس را آنقدر سنگسار کند تا اینکه بمیرد. (شحرور، ۲۰۱۲م: ۸۷) بنابراین در این آیه بهتر است که رجیم را به معنای رانده شده در نظر بگیریم. در ادامه به تفاسیر مهم درباره این واژه اشاره خواهیم نمود:

تفسیر "رجیم": در تفسیر واژه رجیم تقریباً تمامی مفسرین به مانند محمد شحرور، آن را به معنای رانده شده می‌دانند. رانده شده از تمام خوبی ها. در اینجا خداوند به صورت کنایه به شیطان فرموده است که تو رانده شده ای. از آنجایی که هر کس که رانده شود با سنگ به او زده می‌شود، بنابراین خداوند با زبانی کنایه‌آمیز به شیطان صفت رجیم را داده است. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷: ۲۹۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳: ۲۱۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۶: ۵۱۷؛ طباطبایی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۲: ۱۵۶؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۲۳: ۱۹۳) زمخشری نیز رجیم را ملعون و مطرود معنا می‌کند زیرا لعنت همان طرد از رحمت و دور کردن از آن است. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۵۷۷) در تمامی این آیات مشاهده می‌کنیم که واژه "رجیم" به

عنوان صفتی دائمی برای شیطان بکار رفته است و ممکن است که دلیل خداوند متعال از بیان آن، تأکید بر این ویژگی برای شیطان است که همان "رانده شده" می‌باشد که از نظر خداوند، آنقدر صفت ناشایستی است که هنگامی که بخواهد شخصی را به شیطان وصف کند، او را به بدترین صفت شیطان که همان رانده شدن است، تشبیه و یا توصیف می‌کند. اما در آیات ۷۷ سوره ص و ۳۴ سوره حجر ملاحظه می‌گردد که "رجیم" موازی با کلمه "خروج" قرار گرفته است. و خداوند به شیطان می‌فرماید: "خارج شو زیرا که تو رانده شده ای". بنابراین خروج، مستلزم رانده شدن است و در این آیه کاملاً واضح است که مقصود خداوند متعال، خروج اختیاری نمی‌باشد. بلکه همان خروجی که شحرور به آن معتقد است که همان خروج اجباری و با زور است. در نتیجه با تکیه بر همین دو آیه در قرآن کریم به سادگی می‌توان به معنای واژه رجیم برای شیطان پی برد. بنابراین بهترین معنایی که برای این واژه می‌توان در نظر داشت همان "رانده شده" می‌باشد.

مورد دیگر از مشتقات رجم، واژه‌ی "رَجَمًا" است که نمونه آن را ذکر می‌نماییم: سوره کهف. آیه ۲۲: (سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةً رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةً سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةً وَتَامُنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَنَفِتْ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا)^{۱۱}

در این آیه واژه "رجم" به معنای کلامی است که از زبان با شک و تردید خارج می‌شود. عرب در زمان جاهلیت برای بیان شک و تردید اصطلاح "رَجَمَ بِالْغَيْبِ" را مترادف با "ظن" بسیار بکار می‌برده است. (زمخشری، ج ۲، ۱۱۳/ رازی، ج ۲۱: ۴۴۹) که قرطبی نیز آن را در این آیه به این معنا می‌داند. (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۰: ۳۸۳) همچنین "رجم الغیب" به صورت استعاره به معنای پرتاب کلام بدون تفکر و تأمل و درنگ است. (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۵: ۴۴) همانگونه که در این بیت شعر از معلقه زهیر ابن ابی سلمی نیز که از شعرای دوران جاهلیت می‌باشد می‌بینیم که واژه "مُرَجَّم" بمعنای سخنی که با گمان زده شود، آورده شده است:

و ما الحرب إلا ما علمتم و ذقتم و ما هو عنها بالحديث المُرَجَّم

و جنگ جز همان وقایع دردناکی که دیدید و همان بدبختیها و عذابهایی که چشیدید، چیز دیگری نیست. یاران آنچه می‌گویم از روی گمان نیست. (آیتی، ۱۳۹۰: ۵۳) بلکه از یقین نیرو گرفته است. همچنین به معنای گفتن کلامی است که گوینده از آن اطلاعی ندارد. (البیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳: ۲۷۷ / آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۸: ۲۲۹) و یا پرتاب گمان بدون یقین

داشتن (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۶: ۷۱۰) نیز آمده است. اما طباطبایی در تفسیر المیزان این معنای شک و تردید را دور می‌داند و از نظر او در این نمونه منظور از رجم، همان "سنگ پرتاب کردن است" و در حالی که آن را تشبیه می‌کند، می‌گوید: آنها این کلام را مانند کسی که سنگ پرتاب می‌کند، به زبان می‌آورند و نمی‌دانند که آیا به هدف می‌خورد یا نه. (طباطبایی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۳: ۲۶۸) شحرور نیز تنها موضعی که در آن کلمه رجم را خارج از معنای راندن می‌داند همین آیه ۲۲ سوره‌ی کهف می‌داند. در این آیه با استعانت از کلام زمخشری و رازی که به آن اشاره گردید نیز می‌توان چنین استنباط کرد که منظور، همان پرتاب کلام با شک و تردید است. زیرا از مضمون آیه نیز قابل فهم است که آنان از تعداد افرادی که وارد کهف شده‌اند، اطلاع دقیق و مشخصی ندارند؛ بلکه حدس و گمان می‌زنند. همانطور که در آیه صراحتاً اعلام شده است که عده‌ای اذعان می‌کنند که آنها سه نفر هستند و عده‌ای آنها را چهار نفر می‌دانند و عده‌ای نیز آنان را پنج نفر می‌دانند. سپس خداوند برای جلوگیری از اطاله‌ی کلام و به منظور ایجاد سهولت برای درک مخاطب، بلافاصله اعلام می‌فرماید که همه‌ی اینها حدس و گمان این اشخاص است و آمار دقیقی نیست و واژه‌ی رجم در اینجا فقط کلمه‌ای برای بیان حدس و گمان است نه چیز دیگر.

نمونه‌ی دیگر از واژه‌ی "رجم" را در آیه ۹۱ سوره هود مشاهده می‌کنیم: (قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ)^{۱۲}

قرطبی و زمخشری و بیضاوی و طباطبایی و فخر رازی و طبرسی و حقی معتقدند که در این آیه منظور از کلمه رجم همان سنگسار کردن و یا قتل به شدیدترین نوع آن است و چنین تفسیر می‌کنند که: ای شعیب اگر اهل و خانواده‌ی تو نبودند، قطعاً تو را سنگسار می‌کردیم. (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۹: ۹۱ / زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۴۲۳ / بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳: ۱۴۶ / طباطبایی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰: ۳۷۴ / رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۸: ۳۹۱ / طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۵: ۲۸۸ / آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۶: ۳۱۹ / حقی، بی‌تا، ج ۴: ۱۷۸) محمد شحرور درباره‌ی این آیه معتقد است که عصیت عشایری از زمان حضرت صالح میان بزرگان وجود داشته و میانشان رخنه کرده بود و مانع از آن می‌شد که آنان حضرت شعیب را "رجم" کنند. بنابراین از نظر شحرور، رجم در این آیه به معنای راندن و اخراج با زور و اجبار از دیار خویش است. (شحرور، ۲۰۱۲م: ۸۶) آنان صراحتاً به پیامبر اعلام می‌کنند که اگر عشیره و قوم او نبودند که از او حمایت کنند، قطعاً آنها او را از مدین طرد می‌کردند. این معنا را می‌-

توان از آیه ۸۸ سوره اعراف استنباط کرد: قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا. قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ^{۱۳} (شحرور، ۲۰۱۲: ۸۸) در این آیه نیز معنای اخراج با زور و کراهت برداشت می‌شود چنانکه مشاهده می‌کنیم که در آخر آیه جواب پیامبر این بود که من با شما در دین هم عقیده نیستم پس نسبت به دین شما اکراه دارم و آنها به او می‌گویند که اگر اکراه دارد پس باید آنجا را ترک کند. بزرگان قوم از قبل به پیامبر هشدار داده بودند و او را به اخراج کردن تهدید کرده بودند. بنابراین می‌توان با کمک گرفتن از آیه ۸۸ سوره اعراف، به معنای رجم در آیه مورد بحث پی برد. یعنی در این آیه منظور از "رجم" بیرون کردن یا تبعید آن حضرت بوده نه سنگسار کردن ایشان. بنابراین، حضرت شعیب دو انتخاب بیشتر نداشتند. یا دست از رسالت خود برمی‌داشتند و مردم را به خداپرستی دعوت نمی‌کردند یا در غیر این صورت با واکنش مخالفان روبه‌رو می‌شدند که قصد اخراج یا تبعید آن حضرت را داشتند. اما اگر معنای سنگسار را در این آیه لحاظ کنیم، آنگاه تعارض روشنی با سیاق آیات مرتبط در این باره مطرح می‌شود که بدان اشاره شد. زیرا حضرت شعیب(ع)، انسان محترمی نزد آنان بودند. بویژه خانواده و نزدیکان حضرت از احترام ویژه‌ای نزدشان برخوردار بودند. به گونه‌ای که صراحتاً اعلام می‌کنند که اگر خانواده اش نبودند که از او حمایت کنند قطعاً آنها او را از خود می‌رانند و خارج می‌کردند. بنابراین بزرگان قوم پیامبر از واژه "رجم" به شیوه‌ی کنایه استفاده نموده‌اند. به عبارتی می‌توان چنین دریافت که اصطلاح سنگسار کردن به شکل عام، تنبیهی برای مجرمان یا خطاکاران و گنهکاران استعمال می‌شد و هرکس از دستورات و قواعد و عادات اجتماع سرپیچی می‌کرد را به رجم یا همان سنگسار تهدید می‌نمودند. بنابراین می‌بایست دقت لازم را داشته باشیم که دلالت معنایی رجم در این آیه چیست؟ باری، با توجه به اوضاع و شرایط هر عصر و دوره‌ای، مصادیقی برای تنبیه و مجازات مجرمان وجود دارد که این اصطلاح نیز در آن زمان اغلب به معنای سنگسار کردن رایج بوده است. ولی این سخن بدان معنا نیست که همواره واژه‌ی رجم در آیات قرآنی که پیرامون این موضوع آمده‌اند، بر سنگسار کردن دلالت کند.

نمونه‌ی دیگر از مشتقات این واژه در سوره مریم، آیه ۴۶ مشاهده می‌شود: (قَالَ أَرَأَيْبُ أَنْتَ عَنِ الْهَيْبَةِ يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ لِأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا)^{۱۴}

امام رازی در کتاب خود می‌نویسد که ابومسلم معتقد است که گاهی رجم به معنای طرد و دوری است. اما امام رازی خود، معتقد است که رجم در اینجا از دو حالت خارج

نیست. یا رجم با زبان است یعنی یا ناسزا گفتن و یا با دست یعنی سنگسار کردن. (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱: ۵۴۶) و بیضاوی و آلوسی نیز هم‌عقیده با امام رازی هستند. (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴: ۱۲/ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۸: ۴۱۶) با بررسی تفاسیر مختلف مشاهده گردید که اکثر مفسران واژه رجم را در این آیه به معنای شتم و یا زدن و سنگسار نمودن که منجر به قتل می‌باشد در نظر گرفته اند اما با اندکی دقت و تأمل می‌توان دریافت که مراد آزر از رجم خطاب به حضرت ابراهیم (ع)، همان راندن با زور و اجبار می‌باشد. گوینده در این آیه، آزر است که زمانی که ابراهیم (ع) بت‌هایی که پرستش می‌شد را ترک نمود و آنها را شتم کرد، آزر با این جمله او را مورد خطاب قرار داد. او برای حضرت ابراهیم دو پیشنهاد در نظر داشت: یا اینکه حضرت ابراهیم (ع) را به زور از معبد خارج کند تا آبروی خدایانش را با طرد ناسزاگویان به آن حفظ کند. و یا حضرت ابراهیم خودش، برای مدت زمانی از معبد و بت‌ها دور شود تا اینکه اوضاع بهتر شود. همانگونه که مشاهده می‌کنیم، این دو راه حل هیچ ربطی به شتم و یا سنگسار نمودن ندارند. (شحرور، ۲۰۱۲م: ۸۸) همچنین در این آیه راه حل‌هایی که برای حضرت ابراهیم پیش رو گذاشته شد، عیناً مانند راه حل‌هایی است که برای حضرت شعیب در نظر گرفته شد. مخالفان پیامبران از آنها می‌خواستند که دینشان را با آنها هماهنگ کنند در غیر این صورت بهترین راه را دور کردن پیامبران از محل زندگی خویش می‌دانستند. زیرا از نظر آنان، ماندن پیامبران عواقب خوبی برای آنها نخواهد داشت و مسلماً به ضرر آنان خواهد بود. همچنین بعد از کلمه ی رجم، لفظ "واهجرنی" دلیلی است برای اثبات این ادعا که "لَأَرْجُمَنَّكَ" دقیقاً همان هجران و دوری است. زیرا آذر از حضرت ابراهیم (ع) می‌خواهد که از او دور شود. اگر رجم در اینجا به معنای سنگسار کردن و کشتن بود، دیگر پیامبر اختیاری نداشت که آذر خطاب به او بگوید: از من دور شو. با تأمل در قبل و بعد از آیات می‌توان معنای اصلی را حدس زد.

سوره دخان. آیه ۲۰: (وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ) ۱۵

زمخشری رجم را در این آیه، قتل می‌داند. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۲۷۴/ رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷: ۶۵۹) و بیضاوی آن را زدن یا کشتن و یا شتم (ناسزاگفتن) معنی کرده است. (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۵: ۱۰۱) برخی آن را سنگسار کردن تا حد مرگ می‌دانند. (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۵: ۳۲۴ / قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۶: ۱۳۵ / طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۹: ۹۶) با دقت و تأمل در این آیه و با توجه به آیه ی بعد از آن، چنین استنباط می‌شود که پیامبر قوم فرعون، به آنها می‌فرماید: من به خداوند پناه می‌برم از اینکه مرا رجم نمایید. به راستی چه

دلیلی دارد که آنان پیامبر را سنگسار کنند؟ خداوند در این سوره در آیات ابتدایی، از قرآن و فضایل آن سخن به میان می‌آورد و سپس از پیامبرانی که آنها را به منظور هدایت مردم فرستاد سخن فرموده است. تا اینکه به پیامبر قوم فرعون رسیده است که می‌فرماید: پیامبر از مردم می‌خواهد که بندگان را به او بسپارند تا امر هدایت آنان را بر عهده بگیرد. مسئله‌ی مهم این است که در آیه‌ی بعدی، پیامبر از مردم می‌خواهد که اگر از او فرمانبرداری نمی‌کنند، از او کناره بگیرند. به عبارتی میتوان چنین درک کرد که آنان قصد کناره‌گیری از پیامبر را داشتند اما او به دوری آنها اهمیتی نداده در ابتدا می‌گوید که من بعد از دوری شما و یا رانده شدن از جانتان، به خداوند پناه می‌برم. و سپس بلافاصله به آنها می‌گوید که اگر به دین من ایمان نمی‌آورید می‌توانید از من دور شوید و بدانید که این امر (دوری شما) موجب ناراحتی پیامبر نمی‌شود. بلکه از آنها می‌خواهد که میدان را آزاد و خالی قرار دهند تا پیامبر افراد دیگر را دعوت کند. بنابراین، اگر آیاتی که واژه‌ی رجم در آنها به کار رفته با دقت مورد بررسی قرار گیرند، مشخص می‌شود که معنای سنگسار کردن برای واژه‌ی رجم چندان با سیاق و بافت مورد نظر همخوانی ندارد.

سوره ملک. آیه ۵: (وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ)^{۱۶}

مراد از رجوماً، بعضی از ستارگانی است که به نظر روشن می‌رسند و سپس از بین می‌روند که به آنها شهاب می‌گویند. (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲۹: ۲۰) که دارای انقباض هستند و بعد از متبض گشتن، متلاشی می‌شوند. (آلوسی، ج ۱۵: ۱۱) همچنین آنچه که بوسیله آن پرتاب می‌شود که مسلماً شیء جامدی می‌باشد و منظور از شیاطین، کسانی است که استراق سمع می‌کنند و به این دلیل آنها را رجم می‌کنند. منظور از شیاطینی که استراق سمع می‌کردند و سنگ باران کردن و راندن آنها، بنا بر قول مشهورتر، پرتاب شهاب‌سنگهایی بود که به اجرام سماوی و کواکب بسته شده بودند. (آلوسی، ج ۱۵: ۱۱) و آن‌ها را وسیله‌ی ای برای حمله بردن به دشمنان قرار دادیم. (بیضاوی، ج ۱۸: ۱۴۱۸، ج ۵: ۲۲۹ / زمخشری، ج ۴: ۵۷۷) علامه طباطبایی در تفسیر خود می‌نویسد که خداوند ستارگان را برای زیبایی آسمان قرار داد اما اینها کواکبی هستند که ثابت هستند و از میان آن‌ها نوعی را قرار داد که وسیله رجم شیاطینی هستند که استراق سمع می‌کنند که در آیات دیگری نیز به آنها اشاره شده است. مانند: الحجر، آیه ۱۸: (إِنَّمَا مَن اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ مُّبِينٌ)^{۱۷} و در سوره صافات آیه ۱۰: (إِنَّمَا مَن حَطَفَ الْخَطْفَةَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ)^{۱۸} (طباطبایی، ج ۲۱: ۱۴۲۱، ج ۱۹:

۳۵۱) در این آیه خداوند برای بیان شدت زدن، از واژه رجم استفاده نموده است که بوسیله ی این ستارگان شیطانی که استراق سمع می‌کردند را می‌راند. بنابراین در این نمونه نیز رجم، همان راندن است. راندنی که همراه با خشونت و عنف باشد نه سنگسار نمودنی که منجر به مرگ و قتل شود. رجوم در این آیه وسیله ای است که با آن شیطان رانده می‌شود. در سوره شعراء، آیه ۱۱۶ واژه ی "المرجومین" نیز می‌تواند نمونه‌ی بارزی از بکاربردن مشتقات واژه‌ی "رجم" در قرآن باشد که در ذیل به بررسی آن می‌پردازیم: (قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ)^{۱۹}

اکثر مفسرین "المرجومین" را در این آیه نیز به معنای شتم و قتل دانسته اند. اما نظریه ی شحرور بر این مبنا نهاده شده است که در قرآن هیچ کلمه ای مانند کلمه ی "رجم" وجود ندارد که مفسران و صاحبان معاجم و زبان شناسان در ترجمه ی آن، تحت تأثیر اسرائیلیات قرار گرفته باشند. (شحرور، ۸۷) یعنی در این آیه نیز، برداشت از کلمه ی رجم، فقط تحت تأثیر ظاهر آن قرار گرفته و از آن برداشت نادرستی شده است. همانطور که اشاره گردید در اینجا معنای مجازی در نظر گرفته شده و برای تهدید از آن استفاده شده است. چنانچه کسی مرتکب جرمی شود یا از دستورات حاکم بر جامعه سرپیچی کند، او را سنگسار می‌نمودند. در مکالمات و گفتگوهای مختلف نیز از این اصطلاح استفاده می‌شد. اما این بدان معنا نیست که قائل به این امر باشیم که آنان می‌خواستند پیامبر را سنگسار کنند بلکه منظورشان این بود که ای نوح، اگر از کار خود دست برداری، عاقبت تو مانند رانده شده‌ها خواهد گشت.

سوره کهف، آیه ۲۰: (إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا)^{۲۰}

پس از اینکه اصحاب کهف از خواب خود بیدار شدند، از مدت زمان خواب خود، اطلاع نداشتند. آنان برای پی بردن به جواب سوالی که برایشان پیش آمده بود، تصمیم گرفتند که یک نفر را از میان خود به بیرون از غار بفرستند که با آن اسکناسی که از قبل با خود داشته، برایشان طعامی بخرد. آنها گفتند که ما کسی را می‌فرستیم. عده ای از آنان به دوستان خود گفتند: باید مراقب باشیم زیرا چنانچه مردم به مکان ما دست بیابند، ما را رجم می‌کنند و یا ما را به دین و آیین خود باز می‌گردانند. در این قسمت از آیه دو واژه "يَرْجُمُوكُمْ" و "يُعِيدُوكُمْ" دقیقاً متضاد هم هستند زیرا که با حرف "أَوْ" که از حروف عطف میباشد، میانشان فاصله افتاده است و از هم جدا شده اند. با توجه به معنای اعاده و بازگشت

می‌توان معنای رجم را اخراج و دوری در نظر گرفت که با کلمه او از متضاد خود جدا شده است. به عبارت دیگر مقصود دوستانشان این بود که اگر مردم شما را ببینند و از قضیه‌ی شما باخبر گردند، یکی از این دو حالت برای شما اتفاق می‌افتد. یا اینکه آنان از شما می‌خواهند که با آنها هم‌عقیده شوید و راه آنها را در پیش گیرید و یا اینکه از آنها دور شوید که به آنان زبانی وارد نکنید که همان معنای رجم است. همانطور که در آیه‌های قبل نیز تکرار شد در اکثر نمونه‌ها واژه رجم زمانی بکار برده شده است که در مقابل آن یک راه دیگر وجود داشته است و آن تسلیم شدن و قبول شرایط و اوضاع کفار یا مستکبران و یا بت‌پرستان بود. و چنانچه بخواهیم منطقی به این مورد نگاه کنیم، متوجه خواهیم شد که مخالفان خطاب به مخاطبان خود که پیامبران بودند، یا راه قبول کردن شرایط کنونی را قرار می‌دادند و یا راه دوری و اخراج را. که شحورر آن را اخراج با زور و بی‌میلی می‌نامد. زیرا پیامبران آن را به صورت اختیاری انتخاب نموده‌اند. بلکه ناگزیر بودند بین دو راه، یکی را انتخاب نمایند.

سوره یس. آیه ۱۸: (قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ)^{۲۱} خداوند در این سوره از فرستادن پیامبران برای مردم شهر انطاکیه سخن به میان می‌آورد و می‌فرماید: ما آنها را برای شما فرستادیم اما شما آنها را تکذیب کردید و آنان را به فال بد گرفتید و در نهایت به رجم تهدید نمودید. در این آیه مانند آیاتی که تفسیر آنها گذشت، رجم پیامبران نمی‌تواند سنگسار کردن آنان باشد بلکه مردم، پیامبران را تهدید به راندن و رفتار خشونت‌آمیز می‌کردند. در این آیه منظور از رجم، رجم با زبان باشد که مقصود همان راندن پیامبران با لحن خشونت‌آمیز و دورکردن آنان از دیار خودشان باشد. همانطور که در تفسیر مفسران دیگر نیز آمده است که ممکن است رجم در اینجا، زخم زبان‌هایی باشد که به پیامبران زده می‌شود. زخم‌هایی که قابل التیام نباشند. (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ۱۱۱) عده‌ای از مفسران معتقدند که مراد از رجم در این آیه، دشنام دادن و ناسزاگفتن می‌باشد. و یا گفتن سخنی به پیامبران که به هیچ وجه قابل التیام نباشد و به حدی دردآور باشد که نتوان آن را با هیچ علاجی تسکین داد. (حقی، بی‌تا، ج ۷: ۳۸۱)

۴. نتیجه‌گیری

۱. به منظور تفسیر آیات قرآن کریم، علاوه بر معنای ظاهری لفظ و برداشت معنای حقیقی آن، باید به جنبه باطنی و معنای مجازی آن دقت نمود تا بتوان تفسیر صحیح و جامعی از آیات داشت.

۲. علاوه بر لزوم توجه به معنای مجازی متن یا اصطلاح بکار برده شده، واجب است که به فرهنگ حاکم بر آن دوره و اصطلاحاتی که در آن زمان رایج بوده، توجه نمود.

۳. مفسران و فقیهان برای تفسیر واژه "رجم" فقط به جنبه ظاهری و حقیقی آن توجه نموده‌اند. حال آنکه با تأمل و درنگ در آیات مربوطه و با تفسیر قرآن با قرآن به راحتی می‌توان مقصود و غرض اصلی و حقیقی آیات قرآن را درک نمود و مانع از ایجاد خطا شد.

۴. واژه رجم و مشتقات آن که ۱۴ مرتبه در قرآن ذکر شده، به معنای مجازی و غیر حقیقی بکار برده شده است و فقط در آیه ۲۲ سوره کهف مشاهده گردید که معنای آن نه تنها سنگسار کردن و دشنام دادن که تعدادی از مفسران به آن اشاره نموده‌اند، نیست، بلکه به معنای "خروج کلام از دهان" می‌باشد.

۵. از آنجایی که واژه رجم در لغت به معنای سنگسار کردن است، چنانچه بخواهیم مجازات سنگسار کردن که فقیهان برای مجرمان بکار برده‌اند، را مجاز بدانیم، می‌بایست توجه نماییم که رجم در هیچیک از آیات قرآن به صورت آشکار دلالت بر سنگسار کردن نداشته است. و اگر فقها حکم شرعی سنگسار نمودن تا حد مرگ را برای مجازات زنا، تصویب نموده‌اند، فقط به دلیل این بوده است که آنان از آیات دیگر قرآن کلمه‌ی عذاب را به معنای رجم اخذ نموده‌اند و سپس رأی به مجازات به صورت سنگسار کردن داده‌اند. و طبیعتاً این امر دارای شبهه و اختلاف نظر می‌باشد و باید بیشتر به آن پرداخت.

پی‌نوشت‌ها

۱. بدین طریق اتهام شوهر به همسر خود ثابت می‌شود و کیفر زنا بر او مقرر می‌گردد و این کیفر را از او برمی‌دارد این‌که چهار مرتبه خدا را گواه گیرد که شوهرش از دروغ‌گویان است. (نور/ ۸)

۲.

زن و مرد زناکننده را به هریک از آنها صد تازیانه بزنند و اگر به خدا و روز آخرت ایمان دارید نباید مهربانی و دلسوزی به آن دو شما را فرا گیرد و در کیفرشان سستی به خرج دهید که این سهل-

انگاری در دین و بی‌اعتنایی به قانون خداست و باید گروهی از مؤمنان در صحنه کیفر حضور داشته باشند و عقوبت آنان را نظاره کنند. (نور/ ۲)

۳.

و هرکس از شما قدرت مالی ندارد که با زنان مؤمن آزاد ازدواج کند، از کنیزان باایمان که شما مسلمانان مالک آنها هستید به همسری گیرد. خدا به ایمان شما داناتر است و همه نمی‌توانند مؤمنان واقعی را از مؤمنان غیرواقعی باز شناسند. پس باید به مقتضای ظاهر عمل کنید. شما همه اعم از آزاد و برده از یکدیگر بگریزید و نزد خدا با هم برابرید. بنابراین کنیزان را به این شرط که پاکدامن باشند نه پلیدکار و نه دوست‌گیرنده از مردان با اذن سرپرستانشان به همسری گیرید و مهرشان را برحسب متعارف به آنها بپردازید؛ و هنگامی که شوهر کردند، اگر مرتکب کار زشتی شدند، نیمی از کیفری که برای زنان آزاده‌است، برای آنان خواهد بود این (ازدواج با کنیزان) برای کسی از شماست که بیم آن دارد که با ترک ازدواج در رنج بیفتد؛ و البته صبرکردن شما و خودداری از ازدواج با آنها برای شما بهتر است و خدا آمرزنده و مهربان است. (نساء/ ۲۵)

۴. اصطلاح اسرائیلیات عبارت است از هر سخنی که از اساطیر کهن که در اصل نقل به منبعی یهودی، مسیحی یا جز آن منسوب است، گرفته شده است و در تفسیر و حدیث وارد شده است. حتی برخی آن را اخبار بی‌اساسی که دشمنان اسلام با سوءنیت جعل کرده و در کتاب‌های تفسیر و حدیث وارد نموده‌اند تا مبانی اعتقادی مسلمانان را سست نمایند، دانسته‌اند. (ایزدی مبارکه، ۱۳۸۶: ۸)

۵. گفت: ای ابراهیم آیا تو از خدایان من متنفری اگر باز نایستی تو را رجم خواهم کرد و [برو] برای مدتی طولانی از من دور شو. (مریم/ ۴۶)

۶.

پس چون فرزند خود را بزاد و دریافت که او دختر است، از روی حسرت گفت پروردگارا من آن را دختر زاییده‌ام و خدا بهتر می‌دانست که او چه زاییده است و پسری که او برای خدمت در راه ما می‌خواست، مانند این دختر نبود. آنگاه همسر عمران گفت: من او را مریم نام نهادم و او را برای خدمت در اختیار تو نهادم و او و نسلش را از شر شیطان رانده شده به تو پناه می‌دهم. (آل عمران/ ۳۶)

۷. و آن را از نفوذ هر شیطان رانده شده‌ای که برای دستیابی به اسرار غیب به آن برآید، محفوظ داشتیم. (حجر/ ۱۷)

۸. پس هرگاه قرآن تلاوت می‌کنی، از خدا بخواه که تو را از اغواگری‌های شیطان رانده شده پناه دهد. (نحل/ ۶۸)

۹. فرمود از این جایگاه که منزلت مقربان است، بیرون شو که تو رانده شده‌ای. (۳۴/ حجر) و (ص / ۷۷).

۱۰. و این قرآن گفتار شیطان آن موجود رانده‌شده نیست. (تکویر / ۲۵)

۱۱.

به زودی مردم در شمار اصحاب کهف اختلاف خواهند کرد؛ برخی خواهند گفت: آنان سه تن بودند و چهارمین آنها سگشان بود و برخی دیگر خواهند گفت: آنان پنج تن بودند و ششمین آنها سگشان بود- آنان تیر در تاریکی می افکنند و از روی جهل سخن می‌گویند- و برخی نیز خواهند گفت: آنان هفت تن بودند و هشتمین آنها سگشان بود. بگو پروردگرم به شمار آنان آگاه‌تر است؛ جز اندکی از مردم شمار آنها را نمی‌داند. پس ای پیامبر با کسانی که در باره آنها سخن می‌گویند، جز به شیوه‌ای آشکار که آیات قرآن بر آن دلالت دارد، جدال مکن و از هیچ‌یک از آنان درباره اصحاب کهف نظر خواهی مکن. (کهف / ۲۲)

۱۲.

گفتند ای شعیب ما بسیاری از آنچه را که تو می‌گویی به روشنی نمی‌فهمیم و واقعاً تو را در میان خود ناتوان می‌بینیم و اگر آن چند تن از خویشاوندان تو که نزد ما محترمند نبودند، حتماً تو را رجم کرده بودیم و تو بر ما قدرتی نداری. (هود / ۹۱)

۱۳.

از میان اشراف قومش آنان که تکبر ورزیده و ایمان نیاورده بودند گفتند: ای شعیب، قطعاً تو و کسانی را که به تو ایمان آورده و با تو از شهرمان بیرون می‌کنیم. یا اینکه به کیش ما بازگردید. گفت: آیا هر چند ناخشنود باشیم، باز هم به کیش شما درآئیم؟ (اعراف / ۸۸)

۱۴. گفت ای ابراهیم آیا تو از معبودان من رویگردانی؟ سوگند یاد می‌کنم که اگر از رویگردانی خود باز نایستی تو را رجم خواهم کرد و اینک برای مدتی طولانی مرا ترک کن و کناره‌گیری کن. (مریم / ۴۶)

۱۵. و من به خدا که پروردگار من و شماست، پناه برده‌ام از اینکه مرا رجم کنید؛ پس شما را یارای این کار نیست. (دخان / ۲۰)

۱۶. برآستی ما نزدیک‌ترین آسمان به زمین را با ستارگانی همچون چراغ بیاراستیم و از آن ستارگان تیرهایی برای راندن شیاطین (جنیان شرور) پدید آوردیم و برای آنان عذاب آتش افروخته آماده کرده‌ایم. (ملک / ۵)

۱۷. مگر اینکه کسی از آنها بخواهد که استراق سمع کند و رخدادهای آینده را از فرشتگان دریابد که شهابی آشکار آن را دنبال خواهد کرد. (حجر / ۱۸)

۱۸. مگر کسی که دزدانه گوش فرا دهد و خبری بریاید، که شهابی شکافته که هدف را خطا نمی- کند، در پی او خواهد افتاد. (صافات / ۱۰)
۱۹. گفتند ای نوح سوگند یاد می کنیم که اگر از دعوت خود دست برداری، قطعا از زمرة رجم- شدگان خواهی شد (شعرا / ۱۱۶)
۲۰. قطعا اگر آنان بر شما دست یابند شما را رجم می کنند یا شما را به آیین خود بازمی گردانند و در آن صورت هرگز سعادت مند نخواهید شد. (کهف / ۲۰)
۲۱. مردم آن دیار گفتند: ما [امر] شما را به فال بد گرفته ایم؛ به یقین اگر از این کار دست بردارید شما را رجم می کنیم و عذابی دردناک از ما به شما خواهد رسید. (یس / ۱۸)

کتابنامه

- قرآن کریم (۱۳۸۸ش). ترجمه قرآن براساس المیزان، مترجم: سیدمحمدرضا صفوی، دفتر نشر معارف، چاپ اول.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، (بی تا). التحرير و التنوير، بيروت، چاپ اول، مؤسسة التاريخ.
- ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ هـ ق). معجم مقاییس اللغة، مصحح/ محقق: عبدالسلام محمد، هارون، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴هـ ق). لسان العرب، چاپ سوم، بيروت، دار صادر.
- آوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن، تحقیق: عطیه، علی عبدالواری، چاپ اول، دار الکتب العلمیة. بيروت.
- آیتی، عبدالمحمد، (۱۳۹۰ش). معلقات سبع، تهران، انتشارات فارابی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل، چاپ اول، دار إحياء التراث العربی، بيروت.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶ هـ ق). الصحاح، چاپ اول، بيروت، دار العلم للملایین.
- حقی برسوی، اسماعیل (قرن ۱۲). تفسیر روح البیان، چاپ اول، بيروت، دارالفکر.
- رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب، چاپ سوم، دار إحياء التراث العربی، بيروت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ هـ ق). مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بيروت، دار القلم.
- زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۴، چاپ سوم، بيروت، دارالتاب العربی.
- شحرور، محمد، (۲۰۱۲م). القصص القرآنی، ج ۲، چاپ سوم، لبنان، دار الساقی.
- صفوی، سید محمدرضا (۱۳۸۸ش). ترجمه قرآن، چاپ اول، تهران، دفتر نشر معارف.

مفهوم‌شناسی واژه رجم در قرآن کریم براساس دیدگاه محمد شحرور ۱۹

طباطبایی، سید محمد حسین کلاتری، (۱۴۲۱ق). المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات اسوه.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمد جواد بلاغی، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصرخسرو.

فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق). العین، چاپ دوم، قم، نشر هجرت.

قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ش). الجامع لأحكام القرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات ناصرخسرو.

مدرسی، سید محمد تقی (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات دار محیی الحسین.

المصطفوی، حسن، (۱۴۳۰هـ ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ سوم، بیروت، دار الکتب العلمیة.

ایزدی مبارکه، مهدی، (۱۳۸۶ش). بررسی و نقد اسرائیلیات در تفسیر قرآن و احادیث اسلامی، اندیشه‌های اسلامی، سال اول پاییز و زمستان، شماره ۱.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی